

سلام افلاک

۱۳۱۵.۴

حیدر

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

گرایش جامعه‌شناسی

## بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی

مؤثر بر میزان پایبندی به قانون در بین شهروندان شهر رشت

از:

میرکمال موسوی

استاد راهنما:

دکتر فاروق خرابی

استاد مشاور:

محمد امین کنعانی

اسفند ۱۳۸۷

۱۴۱۵۰۴

تقدیم به:

اهالی علم

که حرمت دانش را با محاسبات کاسبکارانه نمی‌شکنند  
و آموختن را پیشه تمام عمرشان می‌سازند.

تقدیر و تشکر:

تحقیق پیش رو حاصل تلاشی است که میسر نمی‌شد جز با استمداد عزیزانی که قدردانی از محبتشان در این نیم صفحه نمی‌گنجد.

به هر تقدیر: در این راه نخست، خداوند منان را سپاسگزارم که توفیق عطا نمود تا پژوهش حاضر را به سرانجام رسانم. سپس از استمداد و یاری همسرم سرکار خانم سیده عاطفه خادم قدردانی می‌نمایم که سهمی بسزا در به ثمر رسیدن این پژوهش داشتند و با وجود مشکلات فراوان در تمام شرایط انجام کار سخاوتمندانه همراهم بودند و به تنهایی بار راهنمایی و مشاوره ام را بر دوش کشیدند.

درضمن شایسته است از همکاری صمیمانه شهروندانی که با پرسشنامه‌ها در امر گردآوری داده‌های تحقیق یاری نمودند، تشکر و سپاسگزاری نمایم.

|    |  |
|----|--|
| ۱  | فصل اول کلیات تحقیق  |
| ۲  | ۱-۱ بیان مسئله   |
| ۶  | ۲-۱ اهمیت تحقیق  |
| ۸  | ۳-۱ اهداف تحقیق  |
| ۹  | ۴-۱ سوالات تحقیق   |
| ۱۰ | ۵-۱ تعاریف مفهومی اصطلاحات مهم                                     |
| ۱۲ | ۶-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها   |
| ۱۷ | فصل دوم ادبیات تحقیق   |
| ۱۸ | ۱-۲ پیشینه تحقیق   |
| ۲۲ | ۲-۲ ادبیات تحقیق   |
| ۲۲ | ۱-۲-۲ مقدمه  |
| ۲۲ | ۲-۲-۲ تعریف قانون  |
| ۲۴ | ۳-۲-۲ قانون در ایران   |
| ۲۵ | ۴-۲-۲ جامعه پذیری و قانون پذیری                                    |
| ۲۵ | ۵-۲-۲ شاخصهای قانون پذیری در جامعه                                 |
| ۲۶ | ۶-۲-۲ فرهنگ و قانون پذیری  |
| ۲۷ | ۷-۲-۲ پیش نیاز قانون پذیری در جامعه                                |
| ۲۸ | ۸-۲-۲ نقش اقتصاد در توسعه و قانون مندی                             |
| ۲۸ | ۹-۲-۲ نقش ساختار اجتماعی در توسعه و قانون مندی                     |
| ۲۹ | ۱۰-۲-۲ نقش فرهنگ در توسعه و قانون مندی                             |
| ۳۰ | ۱۱-۲-۲ موانع قانون پذیری   |
| ۳۰ | ۱-۱۱-۲-۲ عامل فطری و درونی   |
| ۳۱ | ۲-۱۱-۲-۲ استبداد تاریخی در ایران                                   |
| ۳۲ | ۳-۱۱-۲-۲ عدم هماهنگی در نظام اجتماعی (عدم هماهنگی بین خرده نظامها) |
| ۳۲ | ۴-۱۱-۲-۲ عوامل طبیعی و جغرافیایی                                   |
| ۳۳ | ۵-۱۱-۲-۲ عوامل اجتماعی   |
| ۳۳ | ۶-۱۱-۲-۲ عوامل اقتصادی   |
| ۳۵ | ۷-۱۱-۲-۲ مهاجرت  |
| ۳۵ | ۸-۱۱-۲-۲ عوامل خانوادگی - ساختار خانواده و ارزشهای تربیتی          |
| ۳۶ | ۹-۱۱-۲-۲ عوامل سیاسی   |

|     |   |
|-----|---|
| ۳۶  | ۲-۲-۱۱-۱۰. عوامل مربوط به قانون             |
| ۳۷  | ۲-۲-۱۱-۱۱. بی اعتقادی و بی ایمانی           |
| ۳۹  | ۲-۳. چارچوب نظری تحقیق                      |
| ۳۹  | ۲-۳-۱. مقدمه                                |
| ۴۱  | ۲-۳-۱-۱. دیدگاه رفتاری                      |
| ۴۱  | ۲-۳-۱-۲. دیدگاه انسان گرایی                 |
| ۴۱  | ۲-۳-۱-۳. دیدگاه تحولی                       |
| ۴۲  | ۲-۳-۱-۴. دیدگاه رفتار گرایی شناختی          |
| ۴۲  | ۲-۳-۱-۵. رهیافت تربیتی                      |
| ۴۲  | ۲-۳-۱-۶. رهیافت حقوقی و اداری               |
| ۴۳  | ۲-۳-۱-۷. رهیافت فرهنگی                      |
| ۴۳  | ۲-۳-۱-۸. رهیافت شخصیتی و روانی              |
| ۴۳  | ۲-۳-۱-۹. رهیافت اجتماعی                     |
| ۴۴  | ۲-۳-۲. نظریه دورکیم                         |
| ۴۵  | ۲-۳-۳. نظریه مرتون                          |
| ۴۷  | ۲-۳-۳-۱. شیوه تطابق همنوایی                 |
| ۴۷  | ۲-۳-۳-۲. شیوه تطابق ناهمنوایانه مناسک گرایی |
| ۴۸  | ۲-۳-۳-۳. شیوه تطابق ناهمنوایانه نوآوری      |
| ۴۸  | ۲-۳-۳-۴. شیوه تطابق ناهمنوایانه واپس گرایی  |
| ۴۸  | ۲-۳-۳-۵. شیوه تطابق ناهمنوایانه طغیان گری   |
| ۴۹  | ۲-۳-۴. طبقات رفتار از نظر مرتون             |
| ۵۱  | فصل سوم روشهای تحقیق                        |
| ۵۲  | ۳-۱. روش مطالعه                             |
| ۵۲  | ۳-۲. فنون گردآوری اطلاعات                   |
| ۵۴  | ۳-۳. جامعه آماری                            |
| ۵۴  | ۳-۴. حجم نمونه                              |
| ۵۵  | ۳-۵. روش نمونه گیری                         |
| ۵۵  | ۳-۶. روش تجزیه و تحلیل دادهها               |
| ۵۷  | فصل چهارم تجزیه و تحلیل دادهها              |
| ۵۸  | ۴-۱. درآمد                                  |
| ۵۹  | ۴-۱-۱. بخش اول ویژگیهای نمونه آماری         |
| ۶۷  | ۴-۱-۲. بخش دوم توصیف و تحلیل دادهها         |
| ۱۰۸ | فصل پنجم نتایج تحقیق                        |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۰۹ | ۱-۵. نتیجه گیری   |
| ۱۰۹ | ۱-۱-۵. مشخصات نمونه آماری   |
| ۱۱۰ | ۲-۱-۵. میزان قانون مندی شهروندان                                    |
| ۱۱۱ | ۳-۱-۵. میزان آگاهی شهروندان از قوانین                               |
| ۱۱۲ | ۴-۱-۵. نگرش شهروندان نسبت به ضرورت قوانین                           |
| ۱۱۲ | ۵-۱-۵. طرز تلقی و نگرش شهروندان نسبت به تحمیلی بودن قوانین در جامعه |
| ۱۱۳ | ۶-۱-۵. طرز تلقی و نگرش شهروندان نسبت به ضعف در وضع قوانین           |
| ۱۱۴ | ۷-۱-۵. طرز تلقی و نگرش شهروندان نسبت به ضعف در اجرای قوانین         |
| ۱۱۴ | ۸-۱-۵. تأثیر مشکلات اقتصادی بر قانون مندی                           |
| ۱۱۵ | ۹-۱-۵. میزان آنومی اجتماعی در بین شهروندان                          |
| ۱۱۶ | ۱۰-۱-۵. تأثیر ویژگیهای شخصیتی بر قانون مندی                         |
| ۱۱۷ | ۱۱-۱-۵. تأثیر طبقه اجتماعی شهروندان بر قانون مندی                   |
| ۱۱۸ | ۲-۵. پیشنهادها و راهکارهای قانون مندی                               |
| ۱۲۳ | فهرست منابع و مآخذ  |
| ۱۲۳ | منابع فارسی   |
| ۱۲۶ | منابع لاتین   |
| ۱۲۶ | ضمائم تحقیق: پرسشنامه تحقیق   |

|    |  |
|----|--|
| ۵۴ | جدول ۱-۳) ضریب پایایی متغیرهای مستقل تحقیق (مقدار آلفای کرونباخ)   |
| ۵۹ | جدول ۱-۱-۴) جنسیت پاسخگویان  |
| ۶۰ | جدول ۲-۱-۴) طبقه سنی پاسخگویان   |
| ۶۱ | جدول ۳-۱-۴) مقطع تحصیلی پاسخگویان  |
| ۶۲ | جدول ۴-۱-۴) وضعیت تأهل پاسخگویان   |
| ۶۳ | جدول ۵-۱-۴) وضعیت منزل مسکونی  |
| ۶۴ | جدول ۶-۱-۴) وضعیت شغلی پاسخگویان   |
| ۶۵ | جدول ۷-۱-۴) تملک وسیله نقلیه   |
| ۶۶ | جدول ۸-۱-۴) نوع وسیله نقلیه  |
| ۶۷ | جدول ۱-۲-۴) میزان قانون مندی پاسخگویان   |
| ۷۰ | جدول ۲-۲-۴) میزان آگاهی شهروندان از قوانین   |
| ۷۱ | جدول ۳-۲-۴) همبستگی بین میزان قانون مندی پاسخگویان و میزان آگاهی از قوانین                                 |
| ۷۱ | جدول ۴-۲-۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین میزان قانون مندی پاسخگویان و میزان آگاهی از قوانین                 |
| ۷۱ | جدول ۵-۲-۴) تحلیل واریانس رابطه بین میزان قانون مندی پاسخگویان و میزان آگاهی از قوانین                     |
| ۷۱ | جدول ۶-۲-۴) ضرایب رگرسیون رابطه بین میزان قانون مندی پاسخگویان و میزان آگاهی از قوانین                     |
| ۷۳ | جدول ۷-۲-۴) طرز تلقی و نگرش شهروندان نسبت به ضرورت قوانین  |
| ۷۴ | جدول ۸-۲-۴) همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضرورت قوانین و میزان قانونمندی آنها                         |
| ۷۵ | جدول ۹-۲-۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین نگرش نسبت به ضرورت قوانین و میزان قانونمندی آنها                   |
| ۷۵ | جدول ۱۰-۲-۴) تحلیل واریانس رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضرورت قوانین و میزان قانونمندی                 |
| ۷۵ | جدول ۱۱-۲-۴) ضرایب رگرسیون رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضرورت قوانین و میزان قانونمندی                 |
| ۷۷ | جدول ۱۲-۲-۴) طرز تلقی و نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین  |
| ۷۸ | جدول ۱۳-۲-۴) همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین و میزان قانون مندی                      |
| ۷۹ | جدول ۱۴-۲-۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین و میزان قانون مندی آنها |
| ۷۹ | جدول ۱۵-۲-۴) تحلیل واریانس بین نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین و میزان قانون مندی                |
| ۷۹ | جدول ۱۶-۲-۴) ضرایب رگرسیون بین نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین و میزان قانونمندی                 |
| ۸۱ | جدول ۱۷-۲-۴) طرز تلقی و نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در وضع قوانین   |
| ۸۲ | جدول ۱۸-۲-۴) همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در وضع قوانین و میزان قانون مندی                       |
| ۸۳ | جدول ۱۹-۲-۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در وضع قوانین و میزان قانون مندی آنها      |
| ۸۳ | جدول ۲۰-۲-۴) تحلیل واریانس رابطه نگرش افراد نسبت به ضعف در وضع قوانین و میزان قانون مندی                   |



- ۸۳ جدول ۴-۲-۲۱) ضرایب رگرسیون رابطه نگرش افراد نسبت به ضعف در وضع قوانین و میزان قانون مندی
- ۸۵ جدول ۴-۲-۲۲) طرز تلقی و نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین
- ۸۶ جدول ۴-۲-۲۳) همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین و میزان قانون مندی
- ۸۷ جدول ۴-۲-۲۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین و میزان قانون مندی
- ۸۷ جدول ۴-۲-۲۵) تحلیل واریانس رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین و میزان قانون مندی
- ۸۷ جدول ۴-۲-۲۶) ضرایب رگرسیون رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین و میزان قانون مندی
- ۸۹ جدول ۴-۲-۲۷) میزان مشکلات اقتصادی موجود در خانواده
- ۹۰ جدول ۴-۲-۲۸) همبستگی بین مشکلات اقتصادی در خانواده و میزان قانون مندی
- ۹۱ جدول ۴-۲-۲۹) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین مشکلات اقتصادی در خانواده و میزان قانون مندی
- ۹۱ جدول ۴-۲-۳۰) تحلیل واریانس رابطه بین مشکلات اقتصادی در خانواده و میزان قانون مندی
- ۹۱ جدول ۴-۲-۳۱) ضرایب رگرسیون رابطه بین مشکلات اقتصادی در خانواده و میزان قانون مندی
- ۹۳ جدول ۴-۲-۳۲) اعتقاد به وجود شرایط آنومیک در جامعه از نظر پاسخگویان
- ۹۵ جدول ۴-۲-۳۳) همبستگی بین وجود شرایط آنومیک در جامعه و میزان قانون مندی
- ۹۶ جدول ۴-۲-۳۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین وجود شرایط آنومیک در جامعه و میزان قانون مندی
- ۹۶ جدول ۴-۲-۳۵) تحلیل واریانس رابطه بین وجود شرایط آنومیک در جامعه و میزان قانون مندی
- ۹۶ جدول ۴-۲-۳۶) ضرایب رگرسیون رابطه بین وجود شرایط آنومیک در جامعه و میزان قانون مندی
- ۹۸ جدول ۴-۲-۳۷) تحلیل واریانس رابطه بین جنسیت پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۹۸ جدول ۴-۲-۳۸) تحلیل واریانس رابطه بین وضعیت تأهل پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۹۹ جدول ۴-۲-۳۹) همبستگی بین سن پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۰ جدول ۴-۲-۴۰) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین سن پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۰ جدول ۴-۲-۴۱) تحلیل واریانس رابطه بین سن پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۰ جدول ۴-۲-۴۲) ضرایب رگرسیون رابطه بین سن پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۲ جدول ۴-۲-۴۳) همبستگی بین تعداد سالهای تحصیلی پاسخگو و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۲ جدول ۴-۲-۴۴) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین تعداد سالهای تحصیلی پاسخگو و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۲ جدول ۴-۲-۴۵) تحلیل واریانس رابطه بین تعداد سالهای تحصیلی پاسخگو و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۲ جدول ۴-۲-۴۶) ضرایب رگرسیون رابطه بین تعداد سالهای تحصیلی پاسخگو و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۴ جدول ۴-۲-۴۷) همبستگی بین طبقه اجتماعی پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۴ جدول ۴-۲-۴۸) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین طبقه اجتماعی پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۴ جدول ۴-۲-۴۹) تحلیل واریانس رابطه بین طبقه اجتماعی پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها
- ۱۰۴ جدول ۴-۲-۵۰) ضرایب رگرسیون رابطه بین طبقه اجتماعی پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها

- ۱۰۶ جدول ۴-۲-۵۱) خلاصه مدل رگرسیون رابطه بین متغیرهای چندگانه تحقیق و قانون مندی پاسخگویان
- ۱۰۶ جدول ۴-۲-۵۲) تحلیل واریانس رابطه بین متغیرهای چندگانه تحقیق و قانون مندی پاسخگویان
- ۱۰۶ جدول ۴-۲-۵۳) ضرایب رگرسیون رابطه بین متغیرهای چندگانه تحقیق و قانون مندی پاسخگویان

| صفحه | فهرست نمودارها  |
|------|---|
| ۵۹   | نمودار ۱-۴-۱) جنسیت پاسخگویان   |
| ۶۰   | نمودار ۲-۴-۱) طبقه سنی پاسخگویان  |
| ۶۱   | نمودار ۳-۴-۱) تعداد سالهای تحصیلی پاسخگویان   |
| ۶۲   | نمودار ۴-۴-۱) وضعیت تأهل پاسخگویان  |
| ۶۳   | نمودار ۵-۴-۱) وضعیت منزل مسکونی   |
| ۶۴   | نمودار ۶-۴-۱) وضعیت شغلی پاسخگویان  |
| ۶۵   | نمودار ۷-۴-۱) تملک وسیله نقلیه  |
| ۶۶   | نمودار ۸-۴-۱) نوع وسیله نقلیه   |
| ۷۴   | نمودار ۱-۲-۴) پراکنش همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضرورت قوانین و میزان قانونمندی آنها   |
| ۷۸   | نمودار ۲-۲-۴) پراکنش همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به تحمیلی بودن قوانین و میزان قانون مندی |
| ۸۲   | نمودار ۳-۲-۴) پراکنش همبستگی نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در وضع قوانین و میزان قانون مندی      |
| ۸۶   | نمودار ۴-۲-۴) همبستگی بین نگرش پاسخگویان نسبت به ضعف در اجرای قوانین و میزان قانون مندی       |
| ۹۰   | نمودار ۵-۲-۴) پراکنش همبستگی بین مشکلات اقتصادی در خانواده و میزان قانون مندی                 |
| ۹۵   | نمودار ۶-۲-۴) پراکنش همبستگی بین وجود شرایط آنومیک در جامعه و میزان قانون مندی                |
| ۹۹   | نمودار ۷-۲-۴) پراکنش همبستگی بین سن پاسخگویان و میزان قانون مندی آنها                         |

(بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان پایبندی به قانون در بین شهروندان شهر رشت)

(میرکمال موسوی)

پایبندی به قانون یا قانون مندی به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی اکثریت قریب به اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود جامعه و عمل به آنها می‌باشد. به عبارت دیگر اگر قانون مندی در جامعه فراگیر شود افراد جامعه هنجارها، ارزشها، آداب و قوانین جامعه خود را بتدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. اما اگر قوانین تدوین شده بگونه ای باشند که نتوانند قالب مناسب برای تنظیم رفتار اجتماعی باشند، در این صورت با یک معضل و مسئله اجتماعی مواجه هستیم زیرا این وضعیت به عدم تعین و پیش بینی ناپذیر بودن رفتارهای اجتماعی می‌انجامد و موجبات افزایش ریسک در حوزه های مختلف رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود و در نتیجه، الگوهای کنشی غالب در بین افراد و گروهها، خصلتی آنومیک یا نابسامان پیدا خواهد کرد و به صور متفاوتی از ناهمنوایی و انحراف نظیر بدعت گرایی و مناسک گرایی، واپس گرایی و انفعال فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شورش و طغیان علیه وضعیت موجود نمود می‌یابد.

تحقیق حاضر نشان داد که ۴۴/۰۴ درصد از پاسخگویان بهنجار؛ ۱۶/۸۳ درصد بدعت گرا؛ ۱۹/۰۸ درصد مناسک گرا؛ ۱۷/۷۹ درصد واپس گرا و ۲/۳۴ درصد از پاسخگویان نیز طغیان گر بوده اند.

کلید واژه: پایبندی به قانون، اهداف فرهنگی، وسایل نیل به اهداف، بهنجاری، بدعت گرایی، مناسک گرایی، واپس گرایی، طغیانگری، آنومی اجتماعی.

## **Abstract**

**(The socio-cultural factors affecting on amount of commitment in law among the Rasht's citizens.)**

**(Mirkamal mousavi)**

Commitment in law means that the majority of people accept the laws in the society consciously, voluntarily, willingly and act according to them. If the law become comprehensive, the people learn the norms, values, society rules slowly and declare them as a part of their personalities. We face to a social problem, if the rules can't be the proper frame for adjusting social behaviors, Because this situation leads to unpredictable social behaviors and with the result that overcoming action patterns among people and groups will have anomic or unorganized quality and appear in different forms of deviation like Innovation, Ritualism, Retreatism and cultural, social, political and economical reaction and Rebellion against present situation.

Results of present research indicate 44/04 percent of responders are normal, 16/83 percent : Innovation, 19/08 present: Ritualism, 17/79 present: Retreatism and 2/34 present of responders are Rebellion.

**Key words:** commitment in law, Culture Goals, Institutionalized Means, Conformity, Innovation, Ritualism, Retreatism, Rebellion, social anomie.



فصل اول  
کلیات تحقیق

زندگی اجتماعی انسان به وسیله قواعد یا هنجارهای اجتماعی تنظیم می‌شود. بعبارتی آنچه که همکاری و وابستگی متقابل بشری یا نظم اجتماعی را امکان پذیر می‌سازد، نظامی از الگوهای رفتاری است که همه افراد متعلق به یک فرهنگ در آن سهمند. جامعه تا زمانی می‌تواند بعنوان یک واحد پویا به حیات خود ادامه دهد که هم‌نویی با الگوهای مشخص صورت پذیرد. جامعه ای که بخواهد سازمان اجتماعی خود را حفظ کند، باید اعضایش را اجتماعی کند و هرگاه این فرایند بدرستی صورت نگیرد و فراگردهای اجتماعی آن نیز قادر به ایفای نقش خویش نباشند، جامعه با اشکالی از هنجار شکنی و قانون شکنی مواجه خواهد شد که این امر ممکن است موجودیت سازمان اجتماعی و در حد وسیع تر نظم اجتماعی را به خطر اندازد. لذا رعایت هنجارها و بالطبع برقراری انضباط اجتماعی بوسیله قانون نقش مهمی را در یک جامعه ایفا می‌نمایند.

قانون عبارت از قواعد و مقرراتی است که توسط نمایندگان رسمی و مشروع مردم تهیه می‌شود و از قدرت و ضمانت اجرائی برخوردار است. شاید مهمترین کارکرد قانون جدید در کلام زیر خلاصه شود:

یکم- تعیین و تبیین روابط و ارتباطات مردم.

دوم- محدود نمودن قدرت حاکمان و تعیین حدود و ثغور رفتار آنان در چارچوب قانون.

سوم- حمایت و حفاظت از حقوق فرد در مقابل جمع و خصوصاً حاکمان که به لحاظ در دست داشتن قدرت، قادر خواهند بود تا به بهانه‌های مختلف به حدود و حریم زندگی فردی دخالت و تجاوز کنند و حقوق و آزادیهای اولیه و مسلم او را لگدمال کنند. (فکور، ۱۳۷۸: ۹۷)

لذا محدود نمودن قدرت حاکمان و پنداشتن آنها به مانند مابقی آحاد ملت و تعیین حدود اختیارات آنها و بالاخره مجازات حاکمان در صورت تخلفی از این قوانین از یکسو و از سوی دیگر ارتقاء حقوق شهروندان و محافظت رسمی از آزادیهای مدنی آنها مانند آزادی بیان و اندیشه از مهمترین کارکردهای قانون نوین می‌باشد. (ذاکری، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

ماکس وبر فیلسوف و جامعه شناس آلمانی قانون را عبارت می‌داند از نظمی که دارای ضمانت اجرائی خاصی (مالی و جانی) بوده و عدول از آن مستوجب آثار و نتایجی اعم از مدنی و جزائی است و اجرای آن از سوی دستگاههای خاصی که به همین منظور تشکیل گردیده تضمین می‌شود. دونالد بلاک<sup>۱</sup> تعریف مختصری از قانون بدین شرح به دست داده است: قانون عبارت است از نظام اجتماعی دولت. هوبل<sup>۲</sup> نیز تعریف مشابهی در مورد قانون دارد. وی بر این باور است که در کلیه جوامع

۱- Donald Black

۱- Hoebel

رکن اساسی قانون عبارت است از اعمال مشروع قوه قاهره از سوی مراجع مجاز اجتماعی-سیاسی. تعاریف اخیر جامع و مانع هستند از این جهت که هر سه تعریف مرز میان قانون و امور خارج از حوزه قانون را مشخص می‌سازند. به کارگیری واژه «مشروع» آن را از اعمال خشنونت آمیز قوه قهریه ممتاز می‌سازد. مضافاً بر این که ماکس وبر و هوبل هر دو با به کار بردن مفهوم قوه قهریه از سوی دستگاه‌های اجرائی بین قانون و رسوم و هنجارهای دیگر فرق می‌گذارند. زیرا عدول از رسوم و هنجارهای اجتماعی مستلزم کیفر و ضمانت اجرا نیست و یا اگر دارای ضمانت اجرا باشد این ضمانت اجرا از سوی گروه اجتماعی خاصی اعمال می‌شود. از این رو قانون بدون وجود نهاد اجرا کننده آن مفهومی ندارد. بنا به این تعریف می‌توان گفت قانون عبارت است از مجموعه مقرراتی که بر چگونگی رفتار شهروندان یک جامعه نظارت دارد. (قوانین ماهوی) و همچنین شامل مقرراتی ناظر بر نحوه اجراء قوانین و دادرسی است (قوانین شکلی). (ضیمران، ۱۳۷۵: ۵۱)

از دیدگاه کارکردگرایان، قانون برای توده مردم ماهیتی ساختی-کارکردی دارد، چرا که از طریق مشخص کردن رفتارهای مورد انتظار و مجازات خطاکاران به حفظ و نگهداری جامعه کمک می‌کند. هر چند که برخی از افراد یا گروهها ممکن است بیش از دیگران از وجود پاره ای از قوانین سود ببرند و یا قانون به نحو مساوی بر همه فشار وارد نکند، ولی با این حال عکس‌العملی از ارزشهای فرهنگی وجود دارد که در جهت نفع جامعه عمل می‌کند. طرفداران نظریه تضادگرایانه نیز دیدگاه دیگری دارند. استدلال آنها این است که دستگاه حقوقی جامعه در این جهت طراحی شده است که نظام عدم تساوی را تضمین و تقویت کند. از این دیدگاه قانون ابزاری است که از طریق برگزیدگان به منظور سلطه و نظارت بر طبقات پایین جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هر دو دیدگاه بر نکات خاصی تکیه دارند و بر ابعاد گوناگون قانون مندی تأکید می‌نمایند که از حوصله این بحث خارج است، اما آنچه که در این بحث مطرح است، این بوده که با تمام عنایت و توجهی که بر لزوم ضرورت وجود قانون بوده و هست، اما متأسفانه آفتی که تمام جوامع کم و بیش با آن مواجه بوده‌اند، بی اعتباری یا کم اعتباری و عدم اجرای صحیح و کامل قوانین می‌باشد. مواد قانونی در کتب و جزوات بسیار زیبا و باصلاحت و آرمانی‌اند اما در مرحله اجرا مشکل دارند و این موضوع کوچکی نیست و معلوم است که اجرا نشدن با وجود نداشتن قانون تفاوت چندانی ندارد لذا همان عوارض و تبعات بی قانونی شامل حال مردم می‌شود. (محسنی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)

در ایران در دوره‌های مختلف، ویژگی‌های تاریخی این سرزمین از جمله سلطه سیاسی و خودکامگی و شکاف و فاصله بین دولت و مردم، جو عدم اعتماد توأم با ترس و عدم تأمین حقوقی و قضایی و ناهمخوانی بین اخلاق نظری و اخلاق عملی یا حرف و عمل و گفتار و کردار، مانع شکل‌گیری و تداوم سنت قانون‌گرایی و نهادمندی حقوق و قوانین نسبتاً عام و پایدار شده‌اند؛ به همین دلیل قواعد و عرف رایج در هر محل و در بین هر قوم توانسته‌اند همچنان به حیات خود ادامه دهند زیرا



ویژگی‌های محیط طبیعی و جغرافیایی ایران، از لحاظ تنوع منطقه‌ای و اقلیمی زمینه ساز تنوع پراکندگی اجتماعات و شیوه‌های معیشتی عشایری، روستایی و شهری بوده اند. هر یک از این نوع اجتماعات، حقوق و قواعد خاص خود را داشته و به علت ضعف روابط بین گروهی، فرصتی برای تحول و هماهنگی اینگونه قواعد عمل خاص گرایانه و محلی پدید نیامده است. از این رو به رغم تدوین حقوق و قوانین واحد در ایران هنوز در بسیاری از مناطق عشایری، روستایی و حتی شهرهای کوچک ایران اغلب اختلافات و نزاع‌های جمعی سرانجام با شیوه‌های غیر رسمی حل و فصل می‌شوند. به عنوان نمونه در استان لرستان، بیش از نیمی از نزاع‌های جمعی به رغم احاله به مراجع رسمی، نهایتاً با شیوه‌های غیر رسمی طبق قواعد و عرف رایج در محل خاتمه می‌یابند. این امر در سطح کلان با ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در سطح خرد با ویژگی‌های شخصیتهای افراد و در سطح میانی با ویژگی‌های نهادهای مستقل مدنی و نیز با الگوهای رفتاری و نوع و ویژگی‌های خود قوانین مرتبط است. (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۶)

همچنین بی سوادی و کم سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روز افزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروههای اجتماعی منجر گردیده، به طوری که بین نخبگان و مردم بر سر اصول و اهداف فرهنگی، فهم مشترک و وفاق وجود ندارد. این تفاوت و تعارض در ارزشها و اهداف، ملازم است با چندگانگی ساختاری نظام قشر بندی و نابرابری‌های اجتماعی، تعدد، تنوع، تعارض قواعد و الگوهای عمل بین اقوام مختلف و بین ساختارهای غیر رسمی و رسمی است بطوریکه افراد و گروههای اجتماعی، هر کدام در برابر «ماهای» کوچک فامیلی، قومی و مذهبی، جدای از هم، احساس جدایی از تعهد و تکلیف می‌کنند و تعهد مشترک و عام در برابر اهداف و حقوق و قوانین عام، ضعیف می‌شود و «آنومی» یا نابسامانی اجتماعی رواج می‌یابد. در چنین شرایطی است که افراد و گروههای اجتماعی بر سر تشخیص اهداف و راههای نیل به اهداف دچار تعارض و سرگردانی هستند و اگر اهداف را بشناسند، برای رسیدن به آن از هر راهی که ممکن است حرکت می‌کنند. شکاف و فاصله بین اخلاق نظری و اخلاقی عملی یا گفتار و کردار آنان بیشتر می‌شود و نسبت به هنجارها و قواعد عمل و قوانین بی توجه و بی اعتنا می‌شوند و قانون گریزی و قانون ستیزی رواج و گسترش می‌یابد. در چنین شرایطی، اقتدار و مشروعیت سیاسی برای بسیج و سازماندهی مردم در جهت نیل به اهداف ملی ضعیف می‌شود و جای خود را به استفاده از زور و اعمال قدرت می‌سپارد. مردم انگیزه مشارکت در امور عام المنفعه و مشترک و خیر عمومی را از دست می‌دهند و خودخواهی و تلاش در جهت نیل به اهداف فردی و خاص عمده می‌شود و

تأمین منافع فردی به قیمت اتلاف انرژی و با صرف هزینه‌های عمومی و اجتماعی بسیار بالا صورت می‌گیرد. (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)

در ضمن چند گانگی سیاسی (سنتی و عقلانی) در ایران و تعدد مراکز تصمیم‌گیری، سنت دیرپای نابرابریهای سیاسی و تمرکز قدرت و خودکامگی و سیطره حوزه سیاسی بر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به تشدید این وضعیت کمک کرده است، بطوری که فهم مشترک از اصول، اهداف و قواعد عمل سیاسی بین نخبگان و بین نخبگان و مردم وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است. این امر به اضافه ضعف تأمین سیاسی و جانی، ضعف مشارکت عمومی، سیاست‌گریزی و انفعال سیاسی، پرخاشگری و گرایش به حل خشونت‌آمیز تعارضات علاوه بر قانون‌گریزی به قانون‌ستیزی و طغیان در برابر وضعیت موجود نیز دامن می‌زند. همچنین چندگانگی در ساختار اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد، ثروت، فقر، بیکاری، تورم و مشکلات روزافزون مردم در تأمین هزینه‌های در حال افزایش زندگی، بر نارضایتی عموم مردم افزوده است و آنان را به مصرف سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یعنی معرفت، تعهد و قدرت در راه تأمین درآمد و کسب ثروت واداشته است. تحت چنین شرایطی است که ارزش‌های ذاتی و معنوی هویت ساز تحت الشعاع ارزش‌های ابزاری قرار می‌گیرند و مردم نسبت به اهداف و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی مشترک و قواعد و قوانین عام ناظر بر تحقق آنها کم توجه و بی‌اعتنا می‌شوند.

لذا از یک سو شرایط نابسامان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران در سطح کلان با تعدد و تعارض نظام‌های شخصیتی همبستگی دارند. نمود این مسایل به صور تناقض و تعارض عقیدتی و ارزشی، ضعف وفاق اجتماعی و انگیزه مشارکت جمعی، احساس محرومیت و تبعیض و نارضایتی از زندگی در سطح خرد و در زندگی روزمره افراد مشهود است. از سوی دیگر در سطح میانه، شکاف بین گروه‌های غیر رسمی و رسمی به علت نارسایی و ضعف شدید نهادهای مستقل مدنی چون انجمن‌های علمی، شوراهای اجتماعی، احزاب سیاسی و اتحادیه‌های صنفی پر نشده است. در نتیجه الگوهای کنشی غالب در بین افراد و گروه‌ها، خصالتی آنومیک یا نابسامان دارد و به صور متفاوتی از ناهم‌نواپی و انحراف نظیر بدعت‌گرایی و مناسک‌گرایی، واپس‌گرایی و انفعال فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شورش و طغیان علیه وضعیت موجود نمود می‌یابد. بنابراین لازم است با یک بررسی دقیق و همه‌جانبه، موانع اجرای قوانین را شناخته و در جهت رفع آنها کوشید. (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی هم در صدد ارضاء نیازهای شخصی خود است و هم می‌خواهد در گروه و جمعیت آدمیان زندگی و فعالیت کند. بنابراین در یک حالت پر از تنش و ناراحتی بین نیازها و ارزشهای شخصی از یکسو و نیازها و ارزشهای مربوط به هم‌رنگی با جمع به سر می‌برد، به عنوان مثال برای رانندگی در هر سرزمینی مقررات و قوانین خاصی وضع شده است که بر اساس آنها رفتار افراد راننده و عابر تنظیم می‌شود و عدم رعایت آنها نیز تخلف یا جرم محسوب می‌شود و مجازاتی متناسب در پی دارد. اگرچه این مقررات ممکن است جنبه تحمیلی داشته باشند ولی در جامعه، عدم وجود آنها نیز قابل تصور نیست. افراد جامعه مجبورند این مقررات را رعایت نمایند و به عبارت دیگر با بقیه افراد جامعه هم‌رنگی نشان دهند تا به زندگی خود و دیگران آسیبی وارد نسازند. در غیر این صورت چنانچه فردی بخواهد مطابق میل خود رفتار نماید یا ناهم‌رنگی نشان دهد ممکن است صدمات جانی و روانی فراوانی به بار آورد که بر اساس قوانین موجود قابل مجازات می‌باشد.

بنابراین قانون در کنار اخلاق، رسوم و عادات یکی از هنجارهای اجتماعی است که عدم رعایت آن با واکنش قدرت مواجه خواهد شد. در ضمن به موازات پیشرفت و توسعه جوامع، وزن و اهمیت هنجار قانون در مقایسه با هنجارهای دیگر در تنظیم رفتارهای اجتماعی بنحو چشمگیری بیشتر می‌شود، زیرا روابط اجتماعی سریعتر و بیشتر از آن متحول و پیچیده می‌شوند که رسوم، سنت و عادت بتوانند قالب مناسب برای رفتار اجتماعی در محیطی جدید باشند. عده ای نیز بر این نظرند که شاخص و معیار گذار از جامعه میانی به جامعه ای مدرن، ظهور حقوق و نهادهای قضایی همچون دادگستری و آیین دادرسی را می‌طلبد. زیرا پیدایش قانون به پایداری و حضور همه جانبه فرهنگ کمک کرده و قواعد و هنجارهای رفتار را به طرز دقیق تعیین می‌کند. همچنین کاربری عینی ارزشها را مشخص و ایده‌ها و آرمانها را نهادی می‌کند. (گی روشه، ۱۳۷۶: ۱۱۹) تا اینجا لزوم وجود قانون برای جامعه محرز می‌شود اما پایبندی به قانون یا قانون مندی به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی اکثریت قریب به اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود جامعه و عمل به آنها می‌باشد. بعبارت دیگر اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آنها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت که قانون مندی در جامعه فراگیر شده است. در این حالت، قانون مندی جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه است که از زمان تولد تا مرگ با افراد همراه است. در این فرایند افراد جامعه هنجارها، ارزشها، آداب و قوانین جامعه خود را بتدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. البته این امر در صورتی به تحقق

می‌پیوندد که قوانین بگونه ای درست، وضع و اجرا گردند تا افراد جامعه دلبستگی و علاقه فراوانی به رعایت قوانین داشته و به تخطی از آنها نپردازند. اما اگر قوانین تدوین شده بگونه ای باشند که نتوانند قالب مناسب برای تنظیم رفتار اجتماعی باشند، در این صورت با یک معضل و مسئله اجتماعی مواجه هستیم زیرا این وضعیت به عدم تعین و پیش بینی ناپذیر بودن رفتارهای اجتماعی می‌انجامد و موجبات افزایش ریسک در حوزه‌های مختلف رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود و به کاهش مشارکت مؤثر و کارکردی نیروهای انسانی و مادی و در مجموع کاهش تولید و بهره‌وری می‌انجامد. بنابراین رعایت قانون یا عدم رعایت آن نه تنها یک مسئله اجتماعی مهم است، بلکه تأثیرگذاری آن بر دیگر حوزه‌های رفتار جمعی چنان است که آن را تبدیل به یک مسئله حیاتی کرده است. این امر لزوم توجه بیش از پیش و اطلاع از نگرش‌های مردم نسبت به قانون و رعایت آن در جامعه را ضروری می‌سازد. (جمعی از کارشناسان شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۷۸: ۷۶)